

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۰

### نقش باستان‌شناسی در ارتقا و تقویت هویت ملی و فرهنگی ایرانیان\*

دکتر سیدهاشم حسینی

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

#### چکیده

مبانی فرهنگی، تاریخی و تمدنی از مهمترین مؤلفه‌های هویت ملی است که موجب تمایز ملت‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر می‌شود. باستان‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علم انسان‌شناسی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای هویت ملی جوامع کنونی ایفا نماید. از سوی دیگر، یکی از مهمترین موضوعاتی که به صورت مختلف با تمامی عناصر هویت ملی مرتبط است، آثار باستانی یا آثار مادی برجای مانده از یک ملت خاص با خط و زبان و تاریخ و جغرافیای خاص است که نشان دهنده میزان نبوغ و پشتکار نسل‌های گذشته و بیانگر قدیمی‌ترین دوره‌های شکل‌گیری روح جمعی و دیرینه بودن هویت ملی است. بنابراین، باستان‌شناسی در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی با مقوله هویت ملی ارتباط پیدا می‌کند. کشور باستانی ایران به دلیل برخورداری از یک سابقه تاریخی و تمدنی و فرهنگی کهن می‌تواند به کمک باستان‌شناسی از استعداد بالای خود در زمینه ارتقای هویت ملی ایرانی‌یاری گیرد. تحقیق حاضر درصدد اثبات این حقیقت است که باستان‌شناسی می‌تواند به طرق مختلف از جمله تقویت وحدت سیاسی و انسجام ملی، تقویت اراده ملی و روحیه خودباوری و رونق صنعت گردشگری در جهت توسعه اقتصادی کشور، میزان هویت ملی ایرانیان را ارتقا ببخشد.

#### واژگان کلیدی

باستان‌شناسی، آثار باستانی، فرهنگ ایرانی، انسجام ملی، هویت ملی.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Hhoseyny@uma.ac.ir

## ۱- مقدمه

هویت ملی به عنوان یک پدیده سیال و چند وجهی، متشکل از مؤلفه‌های مختلف و حاصل یک فرایند مستمر تاریخی است که تحت تاثیر شرایط محیطی همواره در حال تغییر است. از بارزترین و مهمترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده این هویت می‌توان به مؤلفه‌های فرهنگی و همچنین، سابقه تاریخی و جغرافیایی مشترک اشاره کرد.

مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی شامل خط، زبان و ادبیات، آثار باستانی و... بیانگر نوعی پیوستگی زمانی از گذشته تاکنون است و بیانگر خصوصیات و توانمندی‌های بارور فرهنگی است که بقای جامعه را تضمین می‌کند. از سوی دیگر، داشتن سابقه تاریخی مشترک که در آن مردمی مدت زمانی طولانی را با هم سر کرده و در غم و شادی‌های هم شریک بوده‌اند، نوعی هویت و تشخیص تاریخی به آن مردم می‌بخشد.

با توجه به مؤلفه‌های فوق مشخص می‌شود که هویت ملی می‌بایست بر اساس بنیادهایی استوار گردد که جنبه فراگیر داشته باشد و تمامی عناصر مشترک سازنده هویت جامعه را دربرگیرد. همچنین، جنبه پایدار داشته و در طول چندین هزاره همچنان نقش اساسی در تداوم سرزمینی و سیاست آن بازی کرده باشد.

توجه به مقوله هویت ملی در جهان کنونی به ویژه برای ما ایرانیان که دارای شرایط خاص فرهنگی و جهانی هستیم، اهمیت بیشتری یافته است، زیرا در فرایند توسعه اقتصادی و سیاسی لزوم رسیدن به وحدت ملی و گام نهادن در راه منافع ملی که خود از شرایط تحقق توسعه هستند، ارتباط نزدیکی با مسئله هویت ملی پیدا می‌کند.

موضوعی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، نقش و کارکرد علم باستان‌شناسی در زمینه ارتقای هویت ملی ایرانیان است که از محدود ملت‌های دارای سابقه فرهنگی و تاریخی طولانی و باشکوه محسوب می‌شوند. عمده این نقش از آنجا ناشی می‌شود که باستان‌شناسی به گذشته پرافتخار هر ملت می‌پیوندد و سرگذشت زندگی و یادگارهای بشر و وقایع و فعالیت‌های طولانی انسان را به طور دقیق بیان می‌کند (معصومی، ۱۳۸۳: ۵) و نیز ما را قادر می‌سازد تشخیص

دهیم که از قدیمی ترین دوران، مردم چگونه با جهان اطراف خود و با یکدیگر برخورد می کرده اند. (فاگان، ۱۳۸۲: ۳۴).

با توجه به این محدوده گسترده موضوعی، علم باستان شناسی دارای کارکردها و اهداف متنوعی می باشد، اما از بدو پیدایش تاکنون، در میان این کارکردهای مختلف، جنبه های سیاسی و فرهنگی آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال در همان اوان شکل گیری این علم، جان لوباک<sup>(۱)</sup> از همکاران نزدیک داروین<sup>(۲)</sup>، در کتاب خود به نام اعصار پیش از تاریخ (تالیف ۱۸۶۵ میلادی)، باستان شناسی و انسان شناسی و نظریه تکاملی داروین را ترکیب و نتیجه گیری کرد که فرهنگ های غیر اروپایی از لحاظ زیستی پست تر بوده و اقوام بدوی، محکوم به انقراض از طریق انتخاب طبیعی بوده اند؛ بنابراین لازم نیست که مسئولیت اخلاقی انحطاط یا از دست رفتن هویت آنها به واسطه استعمار پذیرفته شود، زیرا این مسایل ناشی از اختلاف زیستی ذاتی بوده است. دیدگاه یکی دیگر از پیشگامان علم باستان شناسی به نام پیت ریورز<sup>(۳)</sup> نیز بر این مبنا استوار بود که وحشیان جز از طریق بردگی نمی توانند از تاثیر تمدن نژادهای برتر بهره مند شوند. (گرین، ۱۳۸۳: ۳۱۴)

در حدود اواخر قرن ۱۹ میلادی نیز در پی توسعه باستان شناسی، طبقه بندی های مختلفی بر مبنای زبان شناسی و انسان شناسی فیزیکی به وجود آمد و مفهوم فرهنگ به وسیله باستان شناسان و انسان شناسان آلمانی مورد توجه قرار گرفت (میرزا و دانگورث، ۱۹۹۵، ۳۵۴-۳۴۵) که احتمالاً همین موضوع باعث به وجود آمدن مبانی تفکرات نژادپرستانه رایش سوم به رهبری هیتلر و شروع جنگ جهانی دوم گردید.

باستان شناسی در ابعاد مختلفی با مقوله هویت ملی ارتباط پیدا می کند؛ زیرا هویت ملی نیز عمدتاً مبنایی فرهنگی و تمدنی دارد و معمولاً با عناصر عینی و مشترک نظیر زبان، تاریخ، مذهب، آداب و رسوم و نهادهای اجتماعی و هم با تصور ذهنی که افراد ملت از خود دارند، مشخص می شود (هاتینگتون، ۱۹۹۳، ۲۸). در ادامه برخی از مهمترین مصادیقی را که نشان دهنده نقش باستان شناسی در ارتقای هویت ملی ایرانی است، به صورت تفکیکی مورد بررسی قرار می دهیم.

## ۲- تقویت اراده ملی و روحیه خودباوری

تردیدی نیست که کشف گذشته‌ای درخشان در ساختن و پرداختن هویت ملی در جهان معاصر نقش مهمی دارد (دارک، ۱۳۷۹: ۳۹)، زیرا مشاهده مظاهر تمدنی و پیشرفت نیاکان موجب ایجاد حس اعتماد به نفس و اقتدار ملی می‌شود که هر دوی این عوامل از لوازم پیشرفت به شمار می‌آیند. از اینرو مهمترین نقشی که باستان‌شناسی می‌تواند انجام دهد، تقویت روحیه و اراده جمعی جوانان برای تلاش بیشتر با اتکا به پیشرفت‌ها و موفقیت‌های گذشته و سعی در تکرار آن موفقیت‌هاست.

از آنجا که باستان‌شناسی می‌تواند مدارک و شواهد پیشرفت‌های فرهنگی و صنعتی جامعه ایرانی ادوار کهن را در قالب آثار فخیم و غنی فرهنگی که حاصل پشتکار و فراست نسل‌های پیشین ایرانی است، آشکار نماید، می‌تواند ریشه‌ها و علایق ملی و فرهنگی ایرانیان را نیرومند سازد و خودشناسی و خودباوری را در آن‌ها تقویت نماید. لازم به ذکر است که بر طبق آثار باستانی به دست آمده از جای جای کشور، جامعه ایرانی در ادوار مختلف، مهد تمدن و قدرتمندی و تشکیل دولت‌های بزرگ بوده است که این واقعیت خاطره جمعی مناسبی را در اذهان ایرانیان ایجاد می‌کند. علاوه بر این، هنگامی که مردم مشاهده می‌کنند که یک گردشگر مسافت زیادی را پیموده تا آثار باستانی و تاریخی فاخر برجای مانده از نیاکان آن‌ها را تماشا کند، به خود می‌بالند و به فرهنگ و آداب و رسوم خود افتخار خواهند کرد. این امر نوعی اعتماد به نفس فرهنگی و احساس موجودیت و لیاقت را در جامعه تزریق می‌کند و سبب جلوگیری از بیگانه‌گرایی و احساس حقارت فرهنگی خواهد شد. زیرا ملتی که شخصیت و اصالت و ایمان به خویش و احساس موجودیت و لیاقت و سیادت را در خویش از دست داده و به حقارت خویش تمکین کرده باشد، تسلیم در برابر حکومت‌های بیگانه برایش رنج‌آور و ننگین و غیر قابل تحمل نیست (شریعتی، ۱۳۷۶: ۸۳).

امروزه حکومت‌ها می‌دانند که یافتن پیشینه مشترک و ترجیحا باشکوه ملی، فواید فراوانی دارد (دارک، ۱۳۷۹: ۳۹). از اینرو بسیاری از کشورهای جهان که بعضا دارای پیشینه تمدنی و تاریخی خیلی طولانی یا با شکوه نیستند، درصدد

القای پیشینه تاریخی باشکوه برای خود برآمده‌اند. آن‌ها به خوبی به این نکته پی برده‌اند که حکایت انسان فاقد پیشینه تاریخی و تمدنی حکایت درختی است که از ریشه در آمده و زندگی نمی‌کند، زیرا زندگی معنوی انسان از فرهنگ خویش تغذیه می‌کند و شخصیت وی در اتصال به تاریخش شکل می‌گیرد. (شریعتی، ۱۳۷۶: ۸۶).

از نمونه‌های بارز استفاده از عنصر سابقه تاریخی و باستانی برای تقویت هویت ملی می‌توان به کشور کره جنوبی اشاره کرد. کشور مزبور، به وسیله ساخت فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی در صدد تقویت روحیه ملی و حس اعتماد به نفس در مردم برآمده و با توجه به افزایش حجم صادرات و تعصب ملی نسبت به کالاهای کره‌ای، در پیشبرد اهداف اقتصادی و صنعتی خود در سرتاسر جهان کاملاً موفق هم بوده است. به هر حال، این واقعیتی است که ما ایرانیان یک میراث بزرگ فرهنگی از پیشینیان خود به ارث برده‌ایم که بسیاری از کشورهای دیگر جهان، حسرت داشتن آن‌ها را دارند. سرزمین پهناور ایران دارای تمدن‌های باستانی بی‌شمار و آثار باارزش هنری فراوان است که با گذشت زمان هنوز بسیاری از آن‌ها پابرجا مانده و به صورت تپه‌ها و بناهای تاریخی و مذهبی در سراسر کشور خودنمایی می‌کند و همگی آن‌ها میراث فرهنگی بس گرانقدر میهن عزیزمان به شمار می‌رود.

در زمانه‌ای که فرهنگ غرب، تمدن خود را به عنوان برترین الگو در سطح جهان اشاعه می‌کند، ما می‌توانیم با ارائه پیشرفت‌های علمی و فنی ادوار قدیم که از راه کاوش‌های باستانی به فراوانی به دست می‌آید، پیشینه تمدنی غنی خود را به رخ فرهنگ غرب بکشیم. به عبارت دیگر، پیشینه تمدنی غنی ما می‌تواند یکی از بهترین و نیرومندترین محافظان ملت و فرهنگ ما در برابر هجوم تمدن غربی و احساس هویت ملی سرافراز باشد.

به عنوان نمونه‌هایی از مثال‌های افتخارآمیز ابداعات و ابتکارات ایرانیان ادوار گذشته که همه در اثر کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده، می‌توان به کشف قدیم‌ترین چشم مصنوعی جهان<sup>(۴)</sup> (گزارش ایران‌شناسی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)، قدیمی‌ترین شواهد عمل جراحی مغز در جهان<sup>(۵)</sup> (سید سجادی، ۱۳۸۱: ۱۱-۲۲)،

نخستین تصویر متحرک جهان<sup>(۶)</sup> (نوزایی و شه بخش، ۱۳۸۵: ۱۳۱)، قدیمی‌ترین پیل الکتریکی جهان<sup>(۷)</sup> (حکمت، ۱۳۵۰: ۲۳۸)، قدیمی‌ترین منشور حقوق بشر<sup>(۸)</sup> (مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۶: ۲۱) و ..... اشاره کرد که نشان دهنده میزان پیشرفت علوم مختلف و نیز فرهنگ در ادوار گذشته ایران است. به راستی کدامین ایرانی وطن دوستی وجود دارد که با شنیدن این حقایق به هویت ایرانی و پیشینه تاریخی و جغرافیایی خود افتخار و احساس عزت نکند.

با تمام این اوصاف باید توجه داشته باشیم که این مطلب با مفهوم مغرور شدن به گذشته و باستان‌گرایی که اثرات بسیار مخربی دارد، کاملاً متفاوت است. متأسفانه برخی جریان‌های افراطی باستان‌گرا در دوره پهلوی، تاریخ پس از اسلام را نادیده گرفتند و براساس عواطف و احساسات و یا از روی ناآگاهی، هویت ملی ایرانی را نه تنها به ایران باستان کاهش دادند، بلکه این نکته را نادیده گرفتند که بسیاری از پیشتازان رستاخیز سیاسی و فرهنگی ایران پس از اسلام و احیاگران میراث تاریخی، سیاسی و فرهنگی باستانی آن مسلمانان مؤمن و میهن پرست بوده‌اند (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۴-۵۲). جای تأسف آنکه امروزه نیز این طرز تفکر به خاطر کم بها دادن به گذشته پر افتخار ایرانی در بین برخی از جوانان رواج یافته که اگر چاره ای منطقی برای آن اندیشیده نشود، عوارض خطرناکی را در زمینه افراط‌گرایی به بار خواهد آورد.

### ۳- تقویت وحدت سیاسی و انسجام ملی

آثار باستانی در هر کشوری از نظر جغرافیایی بیانگر سابقه تاریخی حیات و فعالیت اجداد انسان‌های ساکن در قلمرو دولت است و به عبارتی، عمق و ریشه تاریخی یک ملت را بیان می‌کند. از سوی دیگر، این آثار معرف سطح فرهنگ و تمدن، خصیصه‌های فرهنگی و الگوی زندگی مردمان ساکن در فضای جغرافیایی ادوار تاریخی گذشته‌اند. بنابراین، آثار باستانی از سویی پدید آورنده هویت و از سوی دیگر تامین‌کننده حقوق سیاسی-سرزمینی برای مردم آن هستند (حافظی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۹). از همین روست که برخی از کشورهای جهان برای رسیدن به اهداف سیاسی خود و توسعه ناسیونالیسم، متوسل به سوء استفاده

از باستان‌شناسی و تاریخ‌سازی شده و می‌شوند. به عنوان مثال، رژیم نازی در آلمان در دهه ۱۹۳۰ میلادی به منظور فراهم ساختن مدارک مربوط به وجود یک نژاد سفید برتر در اروپا، باستان‌شناسی را به خدمت گرفت. همچنین حکومت سفید پوست غالب بر «رودزیا»<sup>(۹)</sup> در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی با این ادعا که ویرانه‌های مجموعه بناهای سنگی معروف به «زیمباوه» متعلق به مستعمره نشینان فنیقی بوده که بیش از دو هزار سال پیش در بخش جنوبی رودخانه «زامبزی» اقامت کرده بودند، سعی در توجیه اقامت و استمرار استعمار ساکنان این منطقه داشتند. دلیل ادعای آن‌ها به آسانی قابل تشخیص بود: برقراری یک زمان و تاریخ مربوط به فنیقی‌ها در ارتباط با ویرانه‌های «زیمباوه»، مدارک استقرار و سکونت سفیدپوستان را در آفریقای جنوبی مدت‌ها پیش از ورود و اسکان اقوام سیاهپوست امروزی ثابت و آشکار می‌ساخت (فاگان، ۱۳۸۲: ۳۲). از نمونه‌های امروزی این سوء استفاده نیز می‌توان به اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودی‌های صهیونیست اشاره کرد که با ادعای تقدم ساکنان قوم بنی‌اسرائیل - یک گروه قومی که احتمالاً در مرحله گذر از عصر برنز به اوایل دوره عصر آهن به فلسطین وارد شدند - در این منطقه، سعی در اخراج فلسطینی‌ها دارند. در این دو مورد، حضور مردمی خاص در یک منطقه خاص در گذشته، به عنوان توجیهی برای کنترل یک سرزمین توسط مردم امروزی ساکن در آنجا که دارای همان نام هستند، مورد سوء استفاده قرار گرفته است. انگیزه چنین اقداماتی در کشورهای مزبور معمولاً از آنجا ناشی می‌شود که این قبیل حکومت‌ها نیاز دارند که بدین وسیله انسجام ملی را تحکیم و همبستگی گروهی خود را تقویت کنند (دارک، ۱۳۷۹: ۳۹).

لازم به ذکر است که باستان‌شناسی در شکل‌گیری هویت ملی جوامع معاصر و نمادهای حکومت‌های جدید نیز نقش مهمی داشته است. یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه، به کارگیری اثری باستانی چون «زیمباوه» به عنوان نماد و نام حکومتی است که پس از رفع استعمار در آن کشور برقرار شد (دارک، ۱۳۷۹: ۳۹). اما باستان‌شناسی در کشور عزیزمان ایران برخلاف موارد فوق‌الذکر که در پی اثبات تک‌نژادی در گذشته‌های دور هستند، می‌تواند با تایید و تاکید بر ماهیت چندلایه هویت ایرانی از قدیمی‌ترین ازمنه، نقش مهمی

در تقویت وحدت سیاسی و انسجام ملی ایفا نماید؛ زیرا براساس نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، فرهنگ و تمدن ایرانی و به تبع آن هویت ایرانی در طول چندین هزار سال دارای تغییرات فراوانی بوده است.

باستان‌شناسی می‌تواند چون آسمانی پهناور، تمامی اقوام و نژادهای ساکن ایران را در سایه خود مجتمع سازد، زیرا با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی اثبات شده که تنوع و تکثر اقوام ایرانی از قدیمی‌ترین ادوار شکل‌گیری حکومت ایرانی یعنی دوران امپراتوری هخامنشی وجود داشته و به طور مستمر تا به امروز تداوم یافته است. به عنوان مثال، بر طبق شواهد و آثار باستانی و تاریخی، بلوچ‌ها از عناصر تشکیل‌دهنده جامعه ایرانی در عصر باستان بوده و قبل و بعد از اسلام نقش مهمی در حفظ مرزهای ایران و دفاع از تمامیت ارضی ایران در برابر مهاجمان گوناگون داشته‌اند (احمدی، ۱۳۸۰).

همچنین، کشف آثار باستانی متعلق به ادوار اشکانی و ساسانی از منطقه آذربایجان از جمله سکه‌های نقره که بر روی آن‌ها کتیبه‌هایی به خط پهلوی (فارسی میانه) وجود دارد<sup>(۱)</sup> (کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۳۹۲-۴۰۱) و یا کشف آثار باستانی متعلق به دوره هخامنشی از منطقه خوزستان نشان‌دهنده قدمت حضور فرهنگ و دولت ایرانی در این مناطق است.

سرزمین ایران در طول تاریخ حیات خود به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرارگیری در میان اقوام و ملیت‌های گوناگون همواره در یک داد و ستد فرهنگی با دیگران به سر برده و همین امر سبب شده است فرهنگ ایرانی به صورت آمیزه‌ای از فرهنگ‌های مختلف بشری درآید (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ۲۲۳). اما مردم ایران در طول تاریخ به لحاظ هویتی دارای بستر فرهنگی منسجم و مشترکی بوده‌اند که با وجود فراز و نشیب‌های فراوان همواره موفق شده‌اند موجودیت فرهنگی خود را پایدار نگه دارند و هر کدام از این فرهنگ‌ها با بر جای گذاشتن رسوباتی بر فرهنگ ایران بی‌آنکه در اساس ملیت ایرانی گسست ایجاد کنند، به آن پویایی بخشیده‌اند. زبان فارسی کهن تا فارسی میانه و سپس دری، انواع خطوط میخی، عیلامی و ... تفاوت‌آثاری مانند چغازنبیل، تخت جمشید و یا طاق کسری همگی مؤید این امر هستند.



یکی دیگر از مدارک باستانی اثبات کننده تنوع قومی، نژادی و زبانی در ایران از اولین روزهای شکل گیری حکومت ایران کتیبه داریوش اول هخامنشی واقع در بیستون کرمانشاه است. در این کتیبه از اقوام متعددی که در نواحی مختلف ایران، به ویژه در نواحی شرق و شمال شرق می زیستند، نظیر پارت، سغد، خوارزم، هرات، بلخ و... نام برده شده است و به یقین مردمان هر یک از این نواحی به زبان خاص خود تکلم می کردند. به گواهی اسناد باستان شناسی و تاریخی، تنوع و گوناگونی قومی و نژادی در ادوار بعدی چون اشکانی و ساسانی نیز وجود داشته و نظام سیاسی و اداری آن روز، مبتنی بر نوعی فدرالیسم بوده است. با وجود این، زبان رسمی در تمامی این ادوار، زبان فارسی (باستان و میانه) بوده و تمام اقوام آن را به رسمیت می شناختند و اقوامی نظیر آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، گیل‌ها، دیلمی‌ها و... که از زمان ظهور دولت ایران در قبل از اسلام، بخش‌های جدایی ناپذیر ایران محسوب می شدند، در شکل دادن به هویت ایرانی نقشی انکارناپذیر داشته اند (فلاح، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

جای بسی تاسف است که عدم توجه کافی به مقوله هویت ملی در سالیان اخیر باعث ایجاد تشکیک در گذشته‌های باشکوه تاریخ ایران و در نتیجه اشتباه برخی از روشنفکران قومیت‌های ایرانی (که خود از مهمترین ارکان تکوین آن گذشته‌های باشکوه بوده اند) برای جدایی از سرزمین تاریخی و باستانی ایران شده است.

#### ۴- کمک به توسعه و رونق صنعت گردشگری فرهنگی

آثار باستانی و تاریخی دیدنی که بخش عمده ای از آنها در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می آیند، برای صنعت گردشگری و به خصوص جلب جهانگردان فرهنگی بسیار مفید است (دارک، ۱۳۷۹: ۳۹). لازم به ذکر است که امروزه صنعت گردشگری از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشورهای جهان، به خصوص کشورهای باستانی برخوردار است و درآمد حاصل از ورود گردشگران بخش مهمی از عایدات این کشورها را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال، بنابر آمار بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ میلادی تعداد گردشگران در سرتاسر جهان بالغ بر ۷۰۱ میلیون نفر بوده است که از این جریان گردشگری مبلغی حدود ۴۷۵ میلیارد

دلار به طور مستقیم وارد چرخه اقتصادی جهان شده است. (بانک جهانی، ۲۰۰۲) برخی از منابع نیز، درآمد صنعت گردشگری را در افق سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ میلادی به ترتیب ۱۵۵۰ و ۲۰۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند (میرطالیبان، ۱۳۸۰: ۱۲۹). ارقام فوق نشان می‌دهد که توجه به صنعت گردشگری و چگونگی مدیریت و بهره‌برداری موثر از آن باید جزو اولویت‌های اصلی نظام اقتصادی و اجتماعی کشورهای دارای توان گردشگری از جمله کشور ما قرار گیرد.

صنعت گردشگری به عنوان یک صنعت چند وجهی متشکل از اجزا و انواع گوناگونی است که یکی از انواع بسیار پر رونق آن گردشگری فرهنگی است. بدون شک فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی توان بالایی را در توسعه گردشگری فرهنگی دارد و با توجه به اینکه اثرات منفی توسعه این نوع گردشگری بسیار کمتر از انواع دیگر است، توسعه گردشگری فرهنگی می‌تواند یک رویکرد مناسب در صنعت گردشگری برای کشورمان باشد. در مبحث گونه‌شناسی جاذبه‌های گردشگری فرهنگی، محوطه‌های باستان‌شناسی، تاریخی و فرهنگی، هنرها و صنایع دستی و موزه‌ها، سه مورد از هشت مورد عمده را تشکیل می‌دهند و خوشبختانه ایران از نظر جاذبه‌های فوق‌الذکر بسیار غنی است و به لحاظ توان‌های فرهنگی در بین ده کشور اول جهان قرار دارد.

لازم به ذکر است که محوطه‌های باستان‌شناسی، تاریخی و فرهنگی شامل یادمان‌های ملی و فرهنگی، ساختمان‌های تاریخی، ساختمان‌های مهم مذهبی و مکان‌هایی می‌شود که در آن یک اتفاق مهم تاریخی یا مذهبی رخ داده باشد. انواع مساجد اسلامی، کاخ‌ها و ساختمان‌های تاریخی، آرامگاه‌ها و مقبره‌ها، تپه‌ها و محوطه‌های باستانی، اماکن مقدس مذهبی و ... از جمله آن‌ها هستند. جذابیت این نوع از منابع گردشگری فرهنگی، به علت قدمت تاریخی یا ارزش مذهبی و ملی آن است، به طوری که گاهی معرفت یک ملت یا یک قوم یا یک تمدن هستند. به عنوان مثال، تخت جمشید یا پارسیه به عنوان مظهر تمدن و فرهنگ ایرانی در بین جهانیان محسوب می‌شود، یا مساجد ایرانی، گونه‌ای خاص از معماری ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهند. علاوه بر این، گردشگران متخصص در گرایش‌های مختلف علوم طبیعی و زیستی، علاقه ویژه‌ای به محوطه‌های در حال کاوش

باستان‌شناسی پیدا کرده اند و در پی بازدید از این اماکن به دنبال شناخت محیط، الگوی معیشت و زندگی مردمان گذشته اند تا یک تصویر کامل تاریخی را ترسیم کنند.

یکی دیگر از جاذبه های مهم گردشگری فرهنگی جهان به آثار باستانی و هنری نگهداری شده در موزه‌ها مربوط می‌شود که موجب جلب توجه بسیاری از گردشگران به خصوص گردشگران فرهنگی به ایران و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌شود. همانطور که می‌دانیم باستان‌شناسی نقش مهمی در فراهم آوردن این اشیا به وسیله کاوش‌های باستان‌شناختی و غنای این گونه موزه‌ها دارد.

#### ۵- احیای روش‌های سودآور اقتصادی ادوار گذشته

باتوجه به تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناسی، برخی از روش‌های اقتصادی مورد استفاده توسط مردم ادوار گذشته که در اثر تجربه نسل‌های متمادی ابداع شده، بنا به دلایل مختلف از جمله جنگ‌ها و قتل عام مردم و یا بلایای طبیعی چون سیل و زلزله به فراموشی سپرده شده اند. باستان‌شناسان با کشف مجدد روش‌های اقتصادی مزبور و کاربرد نمودن آن‌ها می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی اینگونه جوامع ایفا کنند. به عنوان یکی از نمونه‌های بارز این کمک، می‌توان به نقش باستان‌شناسان در توسعه اقتصادی آمریکای جنوبی اشاره کرد. در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد کشاورزان ساکن در کناره‌های دریاچه «تی تی کاکا»<sup>(۱۱)</sup> در منطقه جنوب پرو از اراضی و مزارعی که دارای سطح کشت مرتفعی بودند، جهت کشت و برداشت محصولاتی که نیاز به بارندگی‌های فصلی داشتند، استفاده می‌کردند. نوع خاک، بسیار حاصلخیز بود و با مرتفع ساختن سطح خاک و ایجاد یک کانال، این کشاورزان دوران قبل از تاریخ موفق به کشت و برداشت سیب زمینی «کوئی نوآ»<sup>(۱۲)</sup> و محصولات محلی و بومی دیگر با بازدهی فراوان شدند. این مزارع پیش از فتوحات اسپانیایی‌ها تبدیل به مخروبه شدند و در حال حاضر نیز اقتصاد امروز در همان محیط و با همان شرایط آب و هوایی بر پایه چوپانی استوار است. تجربیات باستان‌شناسان در زمینه بازسازی‌های اراضی و باغ‌های قدیمی نشان داد که بازدهی فراوان محصول با استفاده از همان

طرح‌ها و روش‌های ماقبل تاریخی و در مناطقی که توسط عوامل کشاورزی جدید به عنوان مناطق با بازدهی اندک و حاشیه ای معرفی شده بود، امکان پذیر است. این روش کشاورزی از مزایای فراوانی برخوردار است که از جمله می توان به زیر کشت بردن اراضی مرتفع، عدم نیاز به کود و کم خطر بودن در برابر سرما یا جاری شدن سیل اشاره کرد. افزون بر این، اراضی مرتفع مزبور را می توان با استفاده از نیروی کار محلی، محصولات محلی و عدم نیاز به سرمایه گذاری خارجی ایجاد کرد. با این روش حدود ۸۶۰ هکتار زمین جهت استفاده مجدد آماده شده و زمین‌ها و اراضی بیشتری نیز در جریان برنامه ریزی و استفاده قرار دارند (فاگان، ۱۳۸۲: ۳۳). بدیهی است که این روش‌های اقتصادی در مناطق دیگر جهان از جمله در ایران نیز وجود داشته و استفاده مجدد از آن‌ها که از مزیت تناسب با محیط جغرافیایی، بومی بودن، بازده بیشتر و..... برخوردار است، مستلزم تحقیقات گسترده باستان‌شناسی در نقاط مختلف کشورمان می باشد.

## ۶- کشف آثار باستانی با ارزش

شاید یکی از شایع ترین تصوراتی که اغلب مردم از کارکرد رشته باستان‌شناسی دارند، پیدا کردن گنجینه‌ها و آثار طلایی و نقره ای اعصار قدیم باشد. هر چند با توجه به محدوده گسترده موضوعات باستان‌شناسی و پیشرفت‌های گسترده‌ای که در این شاخه علمی صورت گرفته، این تصور، غلط به شمار می آید، اما قسمتی از کشفیات و داده های باستانی را خواه ناخواه همین اشیا تشکیل می دهند. بنابراین، کشف آثار باستانی گران بها مانند آثار طلایی و نقره‌ای به عنوان بخش مهمی از میراث فرهنگی کشور می تواند موجب تقویت پشتوانه ارزی کشور نیز بشود. مسلماً تقویت پشتوانه ارزی باعث افزایش ارزش پول ملی و نتایج مثبت اقتصادی ناشی از آن در زمینه مبادلات اقتصادی کشورمان با سایر کشورهای جهان می شود. از نمونه های منحصر به فرد این آثار می توان به مجموعه طلایی مارلیک اشاره کرد که توسط پیشکسوت باستان‌شناسی ایران مرحوم دکتر عزت الله نگهبان از قبور محوطه باستانی چراغعلی تپه در استان گیلان به دست آمده است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

## ۷- نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده می توان مهمترین تاثیرات باستان شناسی را در تقویت و ارتقای هویت ملی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اختصاراً به صورت ذیل جمع بندی نمود:

۱- باستان شناسی با کشف و ارائه دستاوردها و پیشرفت های هنری و فنی ایرانیان ادوار گذشته حس اعتماد به نفس جوانان ایرانی را برای فتح قله های افتخار و پیروزی تقویت کرده و روحیه وطن دوستی و انگیزه یافتن برای ساختن و آبادان کردن کشور را در آنها ارتقا می بخشد. همچنین، تقویت این روحیه دارای اثرات اقتصادی غیر مستقیم همچون ترجیح مصرف کالای ایرانی بر کالاهای خارجی، حساسیت در نحوه مصرف منابع ملی و... می باشد.

۲- از آنجا که داده های حاصل از بررسی ها و کاوش های باستان شناسی، بر وجود نژادها، زبانها، اقوام و مذاهب مختلف از بدو تشکیل حکومت و هویت ایرانی تاکید می نماید، یکی از بهترین منابع ارتقای هویت ملی در سایه دیرینگی و تنوع ماهیت هویت ایرانی به شمار می رود؛ زیرا با آگاهی بخشی به جوانان از نقش مهم اقوام ایرانی در تاریخ ادوار گذشته، می تواند از قوم گرایی جلوگیری و زمینه را برای وحدت سیاسی و انسجام ملی بیشتر فراهم نماید.

۳- باستان شناسی علاوه بر تقویت روحیه وطن دوستی و انگیزه یافتن برای ساختن و آبادان کردن کشور که به طور غیر مستقیم اهداف اقتصادی را میسر می سازد، به طور مستقیم نیز می تواند از طرق مختلف از جمله کمک به توسعه و رونق صنعت توریسم، با کشف آثار باستانی و غنی ساختن موزه ها، احیای روش های سودآور اقتصادی ادوار گذشته و کشف آثار با ارزش باستانی طلایی و نقره ای نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و در پی آن افزایش افتخار به هویت ملی ایفا کند.

در پایان متذکر می شود که عدم توجه شایسته و بایسته به میراث تاریخی و فرهنگی ادوار قبل موجب می شود نسل امروز نسبت به گذشته تاریخی و فرهنگی خود بیگانه شده و در نتیجه، ایمان کمتری نسبت به سرزمین و میراث خود پیدا کند؛ زیرا عدم آگاهی از تاریخ و میراث ملی ادوار پیشین باعث تنزل حس وطن

دوستی و در نتیجه عدم تلاش کافی در راه حفظ دستاوردهای آن می‌شود. همچنین، بی‌توجهی به حفظ میراث‌های تاریخی، هنری و فرهنگی ادوار پیشین فرصت مناسبی به دست می‌دهد تا مخالفان تمایت فرهنگی تاریخی و سیاسی ایران از فضای مناسب بهره برداری کنند و در جهت ضربه زدن به وحدت و هویت ملی کشور وارد عمل شوند.

از سوی دیگر، باید به این آگاهی و باور نیز برسیم که توجه به میراث فرهنگی و باستانی و ملی هیچگونه تضاد و مغایرتی با میراث اسلامی نداشته، بلکه در بیشتر موارد تکمیل کننده آن است. به عبارت دیگر، میراث ملی و میراث اسلامی هر یک به مثابه یک بال پرواز برای اوج گرفتن در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. باید توجه داشت که اصولاً یکی از مهمترین دلایل گرایش عمیق و گسترده ایرانیان به دین اسلام، ریشه در عدم وجود مظاهر بت پرستی و الحاد در ادوار پیشین این سرزمین داشته است.

## یادداشت‌ها:

۱. John Lobak
۲. Darwin
۳. Pitt Rivers

۴. قدیم ترین چشم مصنوعی جهان با قدمت ۴۸۰۰ سال در یکی از گورهای محوطه باستانی شهر سوخته زابل کشف شده و نشان دهنده میزان پیشرفت علم پزشکی در ایران باستان است. چشم مصنوعی کشف شده که متعلق به زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله بوده، در چشم چپ این زن کار گذاشته شده بود و با وجود گذشت زمانی نزدیک به پنج هزار سال از ساخته شدن آن هنوز سالم مانده است. جنس چشم مصنوعی فوق هنوز به طور کامل مشخص نشده است، اما به نظر می‌رسد در ساخت آن از قیر طبیعی مخلوط به نوعی چربی جانوری استفاده شده است. در روی این چشم مصنوعی ریزترین مویرگ‌های داخل چشم توسط مفتول‌های طلایی به قطر کمتر از نیم میلی‌متر طراحی شده‌اند. مردمک این چشم در وسط طراحی شده و تعدادی خطوط موازی که تقریباً یک لوزی را تشکیل می‌دهند، در پیرامون مردمک دیده می‌شود.

۵. از شگفت‌انگیزترین یافته‌های شهر سوخته، کشف شواهد کهن‌ترین جراحی مغز در جهان است. کشف مزبور مربوط به مجموعه دختری دوازده یا سیزده ساله است که در ۴۸۰۰ سال پیش، پزشکان آن دیار برای درمان بیماری هیدروسفالی (جمع شدن مایع در مجموعه) بخشی از استخوان جمجمه او را برداشته و جراحی کردند و جالب اینکه این دختر مدت‌ها بعد از عمل جراحی زندگی کرده است.

۶. باستان‌شناسان هنگام کاوش در گوری پنج هزار ساله در شهر سوخته، جامی به ارتفاع ده سانتی‌متر را پیدا کردند که نقش یک بز همراه با یک درخت روی آن دیده می‌شود. آن‌ها پس از بررسی این شیء دریافتند نقش موجود بر آن برخلاف دیگر آثار به دست آمده از محوطه‌های تاریخی شهر سوخته، تکراری هدفمند دارد، به گونه‌ای که حرکت تدریجی بز به سوی درخت را نشان می‌دهد. هنرمندی که جام سفالین را بوم نقاشی خود قرار داده، توانسته است در پنج حرکت، بز را طراحی کند که به سمت درخت حرکت و از برگ آن تغذیه می‌کند. باستان‌شناسان با نزدیک کردن این تصاویر به یکدیگر موفق شدند نمونه‌ای از یک تصویر متحرک را در قالب یک فیلم بیست ثانیه‌ای به دست آورند. در این تصاویر نه تنها بز به سمت درخت حرکت می‌کند، بلکه جهش وی و پریدن وی روی برگ درختان نیز کاملاً دیده می‌شود. لازم به ذکر است که تاپیش از شهر سوخته، در دوره‌های پیش از تاریخی چنین تصاویری دیده نشده است و بنابراین تصاویر مزبور، قدیمی‌ترین ایده مردمان باستان برای ارایه «تصویر متحرک» است و بدین لحاظ در سرتاسر جهان منحصر به فرد می‌باشد.

۷. تا قبل از کشف قدیمی‌ترین پیل‌های الکتریکی توسط باستان‌شناسان تصور عمومی بر این بود که پیل الکتریکی را نخستین بار دانشمند ایتالیایی لوییجی گالوانی در سال ۱۷۸۶ با قرار دادن دو فلز در آب نمک اختراع کرده است. اما کشف باستان‌شناسان نشان داد که ۱۸۰۰ سال پیش از گالوانی، ایرانیان اشکانی نیز برای ساختن پیل همین روش را به کار برده‌اند. باستان‌شناسانی که در آثار تمدن اشکانیان حفاری می‌کردند، در کلبه یک کاهن یا کیمیاگر ایرانی واقع در قریه‌ای در اطراف بغداد تعداد زیادی از این پیل‌ها به دست آوردند. باید در نظر داشت که در زمان فرمانروایی اشکانیان که از ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح تا ۲۲۶ سال بعد از میلاد ادامه داشت، قسمت مهمی از کشور فعلی عراق و از جمله نواحی بغداد جزء امپراتوری ایران محسوب می‌شد. اشکانیان از این پیل‌ها به مقدار قابل توجهی نیروی برق به دست می‌آوردند و از آن، جهت آבקاری مصنوعات خویش توسط طلا و نقره استفاده می‌نمودند. به عبارت دیگر، همان عملی را انجام می‌دادند که امروزه آבקاری الکتریکی نامیده می‌شود.

۸ در سال ۱۲۵۸ خورشیدی (۱۸۷۹ میلادی) به دنبال کاوش های باستان شناسان انگلیسی در معبد بزرگ اسگیله (نیایشگاه مردوک، خدای بزرگ بابلی) در شهر باستانی بابل در بین النهرین استوانه‌ای از گل پخته پیدا شد که امروزه در موزه بریتانیای لندن نگهداری می‌شود. بررسی‌های نخستین نشان می‌داد که گرداگرد این استوانه گلین را نوشته‌هایی به خط و زبان اکدی در بر گرفته است که گمان می‌رفت نوشته‌ای از فرمانروایان آشور و بابل باشد. اما بررسی‌های بیشتری که پس از گرده برداری و آوانویسی و ترجمه آن انجام شد، نشان داد که این نوشته در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش دوم هخامنشی (۵۵۰-۵۳۰ ق.م.) و به هنگام ورود به شهر بابل نوشته شده است. ترجمه و انتشار فرمان کوروش پرده از نادانسته‌های بسیار برداشت و به زودی به عنوان «منشور آزادی» و «نخستین منشور جهانی حقوق بشر» شهرتی عالمگیر یافت. باتوجه به ترجمه کتیبه روی این منشور، شرح وقایع و دستورات کوروش روی یک لوح استوانه‌ای سفالین نگاشته شده و به عنوان سنگ بنای یادبود در پایه‌های شهر بابل قرار گرفته است. این واقیعت در برابر ادعای کاذب کشورهای غربی که از حدود صد سال پیش به این طرف خود را تنها منادیان آزادی و حقوق بشر اعلام کرده و با این حربه مانع رشد اقتصادی و صنعتی کشورهای مستقل می‌شوند، جالب توجه به نظر می‌رسد.

#### ۹. Rhodesia

۱۰ ضمن بررسی‌های باستان شناختی در شهرستان گرمی استان اردبیل، تپه‌های بسیار بزرگی شناسایی و کاوش شده‌اند که محل استقرار دامداران و کشاورزانی از قوم اشکانی بوده‌اند. کاوش‌های صورت گرفته در این تپه‌ها منجر به کشف آثار معماری و همچنین، گورهای حاوی آثار فراوانی چون سفالینه‌ها و ریتون‌های آیینی به شکل حیوانات مختلف و سکه‌هایی مربوط به شاهان مختلف اشکانی همچون ارد دوم (۵۷-۳۷ ق.م.)، فرهاد چهارم (۳۸ ق.م تا ۲ م.)، گودرز دوم (۳۸-۵۱ م.) و بلاش چهارم (۱۴۸-۱۹۲ م.) گردید.

#### ۱۱. Titicaca.

#### ۱۲. Quinoa.

#### کتابنامه

۱. احمدی، حمید. ۱۳۸۰. قومیت و قوم گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت، تهران: انتشارات نی.
۲. اسلامی ندوشن، محمد علی. ۱۳۷۶. ایران و تنهائیش، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بیگلرلو، رضا. ۱۳۸۰. باستان گرایی در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر مرکز.



۴. حافظی نیا، محمدرضا. ۱۳۸۲. **قابلیت‌های میراث فرهنگی ترکمنستان در شکل دهی به هویت ملی**، نشریه مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲، تهران، صص ۱۰۹-۱۲۳.
  ۵. حکمت، علیرضا. ۱۳۵۰. **آموزش و پرورش در ایران**، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی.
  ۶. دارک، کن. آر. ۱۳۷۹. **مبانی نظری باستان‌شناسی**، ترجمه کامیار عبدی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
  ۷. سید سجادی، منصور. ۱۳۸۱. **نخستین شواهد جراحی در ایران پیش از تاریخ**، نامه پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۱، صص ۱۱-۲۲.
  ۸. شریعتی، علی. ۱۳۷۶. **بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی**، تهران: انتشارات الهام.
  ۹. فاگان، برایان. ۱۳۸۲. **سروآغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی**، مترجم غلامعلی شاملو، تهران: انتشارات سمت.
  ۱۰. فلاح، مرتضی. ۱۳۸۶. **نقش زبان فارسی در یکپارچگی و وحدت ملی ایرانیان**، مجله گوهر گویا، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۶۴.
  ۱۱. کامبخش فرد، سیف‌الله. ۱۳۷۷. **گوردخمه‌های اشکانی**، چ اول، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
  ۱۲. گرین، کوین. ۱۳۸۳. **مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی**، مترجم فرهنگ خادمی ندوشن، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
  ۱۳. گزارش ایران شناسی. ۱۳۸۵. **گزارش شانزدهم ایران شناسی**، تهیه و تدوین روابط عمومی بنیاد ایران شناسی، تهران: انتشارات بنیاد ایران شناسی.
  ۱۴. مرادی غیاث آبادی، رضا. ۱۳۸۶. **منشور کوروش هخامنشی**، چاپ هشتم، شیراز: انتشارات نوید.
  ۱۵. معصومی، غلامرضا. ۱۳۸۳. **تاریخچه علم باستان‌شناسی**، تهران: انتشارات سمت.
  ۱۶. میرطالیبیان، سیدمحمدحسن. ۸۰-۱۳۷۹. **تأثیر عوامل جغرافیای منطقه‌ای در جذب گردشگر**، پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
  ۱۷. نگهبان، عزت‌الله. ۱۳۷۸. **مروزی بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران**، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).
  ۱۸. نوزایی عباس و شه بخش، سعید محمد. ۱۳۸۵. **تحلیل محتوای نقشمایه‌های به جا مانده از تمدن شهر سوخته سیستان**، مجله کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور، صص ۱۲۸-۱۴۰.
۱۹. Huntington, S. ۱۹۹۳. *The clash of civilization*, Foreign Affairs, Vol. ۷۲, No.۳.

۲۰. Mirza, M.N. and D.B. Dungworth. ۱۹۹۵. **‘The potencial misuse of genetic analyzes and the social construction of race and ethnicity ‘**, Oxford Journal of Archaeology.
۲۱. WORLD BANK. ۲۰۰۲. ۲۰۰۲ **Information and Communications for Development.**



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی